

نویسنده: بشیر لاکس «Basahar Lakkis»
منبع و تاریخ نشر: کریدل «13-07-2024»
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

اردن، طاووس در حالی که آسیب پذیر است

Jordan, peacocking while vulnerable

بقای سلطنت اردن منوط به استفاده ماهرانه از دکتترین ضد کودتا، استفاده از میراث بادیه نشین و اتحادهای خارجی برای حفظ ثبات و اجتناب از توجه منفی زیاد است. اما در میان آشفتگی های داخلی و منطقه ای پس از عملیات سیل الاقصی، چرا امان این همه توجه را به خود جلب می کند؟

The Jordanian monarchy's very survival hinges on its adept use of an anti-coup doctrine , leveraging its Bedouin heritage and foreign alliances to maintain stability and avoid too much negative notice . But amidst both internal and regional turbulence in the aftermath of Operation Al -Aqsa Flood, why is Amman drawing so much attention to itself?



Photo Credit: The Cradle

شاهد.. عندما استل جلاله الملك عبدالله الثاني سيفه وحيى الحضور تحية عسكرية (فيديو)

pic.twitter.com/vFTNp80mGp

در 9 جون، اردن جشن نقره ای راجشن گرفت و 25 سال از سلطنت **ملک عبدالله دوم** را جشن گرفت. این رویداد بزرگ، قد وقامت شاهنشاهی پادشاه را با بنرهای تشریفاتی، فیرهای توپ، نمایش یا رژه رفتن هوایی نیروی های هوایی اردن، و تصویری عجیب از «میراث ملی» بنی هاشمی را به نمایش گذاشت.

شاهد.. عندما استل جلاله الملك عبدالله الثاني سيفه وحبي الحضور تحية عسكرية (فيديو)

AONETVJO (@aonetvordan) 10 — pic.twitter.com/vFTNp80mGp
ژوئن 2024

این منظره شباهت زیادی به جشن سرنوشت ساز و پرحاشیه «2500» سالگرد تأسیس امپراتوری ایران باستان که در { 12 اکتبر 1971 } در زمان شاه مخلوع ایران، محمدرضا پهلوی برگزار شده بود داشت.

هر دو رویداد در بحبوحه آشفتگی سیاسی-اجتماعی رخ دادند و برای نشان دادن قدرت و انعطاف‌پذیری رژیم‌های مربوطه خود طراحی شدند. در حالی که سلسله پهلوی در سال 1979 با انقلاب اسلامی فروپاشید، ثبات نظام سیاسی اردن همچنان یک سوال مبرم است و صداهای مخالف در نزدیکی کاخ سلطنتی در امان بلند تر می‌شود.

ساخت هویت ملی اردن

جشن نقره ای بینش های مهمی را در مورد هویت ملی اردن نشان می‌دهد، و تلاش می‌کند میراث بادیه نشین را به عنوان سنگ بنای فرهنگ اردن برجسته کند، مفهومی که توسط ژنرال بریتانیایی جان گلاب پاشا که نیروهای بادیه نشین اردن شرقی را سازماندهی کرد و اولین ارتش اردنی را رهبری کرد، پرورش داد.

این «میراث» بیشتر توسط کمیسر عالی بریتانیا برای فلسطین، **هربرت ساموئل**، که نیروهای بادیه نشین و قبیله‌ای را برای تأمین منافع بریتانیا در سال 1920 تأسیس کرد، شکل گرفت. روایت «هویت ملی» در این زمینه به عنوان ابزاری نهادی برای به حاشیه راندن ضد هژمونیک و هژمونیک عمل می‌کند. هویت های ضد استعماری .

تئوری استعمار زدایی به طور انتقادی این پدیده را بررسی می‌کند: اینکه چگونه از «هویت ملی» برای کنترل و تکه تکه کردن جوامع از درون استفاده می‌شود. **برنارد لوئیس**، متفکر شرق شناس با نفوذ، در قرن گذشته امپراتوری عثمانی به این نکته اشاره کرد و تأکید کرد که چگونه چنین هویت‌هایی مقاومت در برابر سلطه و استعمار را تضعیف می‌کنند.

این الگو در اردن، مصر و سوریه پس از استقلال قابل مشاهده است، جایی که گفتمان های ملی با منافع غربی، اغلب اروپایی، همسو بودند.

منیر شفیق، نویسنده و متفکر فلسطینی، در کتاب خود به نام سفر در میان اخگرها، تجربیات خود را با حزب کمونیست اردن پس از سال «1948» بازگو می‌کند و به تفصیل توضیح می‌دهد که چگونه هویت اردن پس از نکبه افزایش یافت و در زمان نخست وزیری وصفی الطل در سال 1962 تثبیت شد. این هویت نقش محوری در صحنه سیاسی پس از بحران سپتامبر 1969 بین دولت اردن و فلسطینی ها داشت. هدف سیاست امان همواره کاهش بار مشکل فلسطین و پیامدهای سیاسی آن بوده است. آثار استعماری جوزف مساد: ساخت هویت ملی در اردن به بررسی چگونگی ایجاد هویت استعماری در منطقه می پردازد. این شخص آکادمیک فلسطینی اردنی الاصل استدلال می کند که ایجاد نیروهای مسلح اردن توسط گلوب پاشا ریشه در مفهوم "شرق شناسی پنهان" داشت و لژیون عرب را به عنوان الگویی برای تظاهرات بادیه نشینان با هدف گردشگران غربی قرار می داد. در نتیجه، هویت اردنی بر پایه نهادینه شدن کوچ نشینی و تداوم رژه های استعماری بنا شد.

اردن، طوفان امپراتوری را تحمل می کند

سال 1953 با تصاحب مدیریت بدهی یونان و ترکیه از بریتانیا توسط ایالات متحده در سال قبل، نشان دهنده یک تغییر اساسی از سلطه بریتانیا به ایالات متحده بود. کودتای سال «1953» توسط سازمان سیا (سی آی ای) در ایران، که شاه ایران را دوباره به قدرت بازگرداند، بیشتر نمونه راهبردهای جدید و اشنگتن در غرب آسیا بود. بحران کانال سوئز در سال 1956 که شامل تجاوز بریتانیا، فرانسه و اسرائیل به مصر بود، کاهش نفوذ اروپا را به نفع هژمونی ایالات متحده تقویت کرد.

استراتژی های سیا «سی آی ای» برای اردن، ایران و مراکش به جای تکیه بر پیا ده نظام برای جلوگیری از کودتاهای ناگهانی، بر تضمین وفاداری نیروهای هوایی قدرتمند تر پادشاهی متمرکز بود. این دکنترین ضد کودتا مشخصه پادشاهی ها شمی بود که ثبات آن ریشه در وفاداری نیروی هوایی و خدمات امنیتی مورد اعتماد ایالات متحده داشت.

با این حال، استقامت کاخ سلطنتی نیز به عدم تلاش جدی مخالفان برای سرنگونی آن بستگی داشت. سه گانه مورخ فلسطینی کمال خلف الطویل، دیداری جدید از تاریخ عرب، بسیاری از سیاست های آن دوره را توضیح داد.

رهبران انقلابی مانند جمال عبدالناصر مصر، عبدالکریم قاسم عراقی و حتی بعضی ها (عراقی و سوری) در مورد دشمنی خود با اردن و سرنگونی سلطنت در آنجا جدی نبودند. در واقع، موفقیت پادشاهی اردن در حفظ موجودیت خودرامی توان به عدم اراده جدی مخالفانش برای سرنگونی آن نسبت داد.

امان «Amman»، «از تضادهای دشمنان خود استفاده کرده و از موقعیت ها به نفع خود استفاده کرده است. این امر در نحوه استفاده از جهاد افغانستان برای همسویی با منافع

غرب و بعداً از جهاد عراق پس از سال 2003 برای مقابله بانبروهای مقاومت و حضور ایران ضد آمریکایی در عراق مشهود است. سیل الاقصی و اثرات موج دار آن بر اردن .

همانطور که در تحلیل **ریچارد پرل** از سیاست های لیکود و سرنگونی دولت بعث عراق، علاوه بر نقش اردن در این تغییرات ژئوپلیتیکی، اشاره شد، تعاملات راهبردی اردن همواره صحنه سوریه و عراق را درگیر کرده است.

عملیات مقاومت فلسطین به رهبری حماس سیل الاقصی - فراتر از اینکه ضربه ای شدید به امنیت ملی اسرائیل باشد - تجلیل از جنبش های آزادیبخش را دوباره شعله ور کرده و نقش و موقعیت مردم عرب را تغییر می دهد. پژواک آن عملیات که در صبح روز 7 اکتبر از غزه آغاز شد، به سرعت به امان و قاهره گسترش یافت.

و با این حال، اردن در 13 آوریل در عملیات دفاع هوایی اسرائیل در برابر حملات تلافی جویانه ایران در صندلی جلو قرار گرفت. و امروز، امان اولین پایتخت عربی است که دفتر **نا تو** را افتتاح کرد. چرا اردن، یک کشور آسیب پذیر از نظر سیاسی و اقتصادی که از دور ماندن از مناقشه منطقه ای سود می برد، در حالی که اردنی ها بر غزه جوشیده اند، ناگهان خود را در خدمت اسرائیل و غرب طاووس می کند؟

جنگ تل آویو در نوار غزه نیز اساساً جنگی در کرانه باختری اشغالی است، منطقه ای که تا جنگ اعراب و اسرائیل در سال (1967) توسط **اردن** اداره می شد. کرانه باختری محور اصلی درگیری کنونی و جایزه نهایی هم برای اسرائیلی ها و هم برای فلسطینیان است. از زمان حمله شوم اسرائیل به لبنان در سال «1982»، کرانه باختری هدف اصلی شهرک سازی، جابجایی و جایگزینی بوده است.

به عنوان مثال، بلافاصله پس از حمله به بیروت، دولت اسرائیل **مناخیم بگین** تلاش کرد کمیته های روستایی و محله ای را در کرانه باختری ایجاد کند تا یک الگوی امنیتی و قانونی جداگانه جدا از سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) ایجاد کند.

اگر نیست اگر بگویم وقایع پس از سیل الاقصی اساساً یک مبارزه بر سر کرانه باختری و سپس بر سر کل سرزمین فلسطین است.

اجرای سریع اقدامات سرکوبگرانه و شهرک سازی توسط دولت اشغالگر در کرانه باختری از اولین روز حمله به غزه، این اهمیت استراتژیک را برجسته می کند.

اما اقدامات اسرائیل که توسط نیروی مازاد و همکاری سرویس های امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین تسهیل می شود، بدون نقش دیرینه **اردن** در مسدود کردن مسیرهای تدارکات مقاومت به کرانه باختری - هدف بلندمدت محور مقاومت منطقه به رهبری ایران - موفق نمی شد. این واقعیت امروزه توسط همه پایتخت های تصمیم گیرنده مهم تصدیق

شده است و چیزی است که اردن را به یک هدف مهم - برای هر دو طرف - تبدیل می کند.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله

بشار لکیس نویسنده لبنانی است که در چندین روزنامه لبنانی می نویسد و نویسنده کتاب «نقد معارف اسلامی» (نقد معارف اسلامی) است.



بشار لکیس

----- با تقدیم احترامات «2024-07-15»

.....